

پیش از این، نخستین ترجمه فرانسوی قرآن را که در سال ۱۶۴۷ به همت آندره دوری^۱، کنسول فرانسه در قاهره انجام شد، معرفی کردیم^۱ و دیدیم که چگونه این ترجمه به مدت ۱۴۰ سال متن بلامنازع قرآن به زبان فرانسه بود، چندان که خود به زبان‌های دیگر اروپایی، مانند ایتالیایی و آلمانی و انگلیسی و هلندی و روسی درآمد و از تاریخ انتشار تا سال ۱۷۸۵، چهارده مرتبه به چاپ رسید، رقمی که برای مردم آن روزگار، با توجه به تعداد اندک باسوادان، به خصوص علاقه‌مندان به شناخت اسلام، در سطح بالایی است. علت این موفقیت هم امانتداری نسبی دوری^۱ به در ترجمه بود که در مقایسه با کشیشان و مبلغان مسیحی، مترجمان قرآن به زبان لاتینی، دستخوش یاوه‌های رایج در میان مسیحیان قرون وسطا واقع نشده بود. با این همه، دوری^۱ به نیز که در جوّ قشری و تعصب آمیز می‌زیست، نمی‌توانست یکسره خود را از قید اوهام پیشین برهاند، و نیز ناگزیر بود به محافظه کاری‌هایی تن در دهد.

۱. نک: ترجمان وحی، شماره اول، دوره اول، شهریور ۱۳۷۶، صفحات ۳۸-۵۰.



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه: ساواری (۱۷۸۸ - ۱۷۵۰)، پس از اقامتی طولانی در مصر، قرآن را در سال ۱۷۸۳ به زبان فرانسه درآورد و در پاریس منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۷۸۷، و بدون تردید در پاریس، تجدید چاپ شد، ولی با نشانی مستعار: مکه.

وضع همچنان بود تا آن که در نیمه دوم قرن هفدهم، رفته رفته، افکار دکارت در جوامع اروپایی راه یافت و مکتب عقل‌گرایی بر تحقیقات علمی و فلسفی و مذهبی سایه گسترده و دانشمندان را به شناخت منطقی مسائل اعتقادی برانگیخت. این امر موجب شد که حتی مبلغان مسیحی برای ردّ نوشتن بر ادیان دیگر، از جمله دین اسلام، به وسایلی غیر از آنچه تا آن تاریخ متداول بود، روی آورند. یکی از نتایج تفکر جدید، ترجمه لاتینی قرآن به وسیله ماراچی، کشیش ایتالیایی بود^۱ که اگر چه در مقدمه بسیار طولانی خود پیوسته در تکذیب اسلام می‌کوشد، ولی بر آن است که از دایره استدلال پای بیرون نهد، چندان که هنگام مقایسه قرآن با انجیل می‌گوید:

«من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیر متدین [= غیر مسیحی] ارائه دهند، او بدون تردید اولی را بر خواهدگزید، زیرا کتاب محمد [ص] در ظاهر افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر موازین عقلی منطبق است.»^۲

اما عقل‌گرایی به همین جا خاتمه نیافت. پس از چندی گروهی از فلاسفه و نویسندگان به تحقیق درباره اسلام پرداختند و بسیار زود دریافتند که:

«اگر بر روی کره زمین تنها یک دین وجود داشته باشد که دشمنانش آن را به زشت‌ترین شکل وصف کرده و مورد نفرت دیگران قرار داده باشند، به گونه‌ای که یک فرد خردمند حتی از نوشتن رد بر افسانه‌هایی که به آن نسبت داده‌اند، عار داشته باشد، آن دین، دین اسلام است.»^۳

از این رو در قرن هجدهم نهضتی پدید آمد که اصول معتقدات مسلمانان را در برابر عقاید مسیحیان قرار می‌داد و همواره اسلام را برتر از مسیحیت می‌یافت. یکی از پیشروان این نهضت مونتسکیو، نویسنده نامه‌های ایرانی و روح‌القواتین بود، و دیگری ولتر که نزدیک به

1. Ludovico Maracci, *Alcoranus, textus universus cui praemissus est Prodromus ad refutationem Alcorani*, Padoue, 1698, 2 vol. fol.

۲. همان، ج اول، ص ۷۸.

۳. نک:

Adrian Reland. *De la religion mahométane, exposée par leurs propres docteurs*, Utrecht, 1705, p. 123.

پنجاه سال از عمر خود را در مطالعه تاریخ پیدایش و گسترش ادیان، به خصوص دین اسلام، سپری کرد و کتاب‌های متعددی در این باره نوشت.^۱ اینان به اقلیم ثلاثه اعتقاد نداشتند و به گونه‌ای توحید، که آن را «دین فطری» می‌نامیدند معتقد بودند و چون اسلام را بدان بسیار نزدیک می‌یافتند، در دفاع از آن می‌کوشیدند. نهضت جدید که فرانسویان آن را «déisme» نام نهاده‌اند، در نیمه دوم قرن هجدهم به اوج شکوفایی رسید و پس از انقلاب فرانسه الهام‌بخش بنیان‌گذاران آیین پرستش «وجود متعالی» گردید.^۲

باری، در فضایی این چنین بود که ساواری به ترجمه نوینی از قرآن همت گماشت.^۳ **کلود اتی بن ساواری** در دوم اکتبر ۱۷۴۹ در شهر ویتره (Vitré)، واقع در شمال غربی فرانسه، ناحیه بروتانی (Bretagne) به دنیا آمد. تحصیلات اولیه را در زادگاه خود به پایان برد. در فراگرفتن زبان‌های خارجی استعدادی درخشان داشت و از آغاز جوانی به مسافرت و جهانگردی عشق می‌ورزید. این علاقه و آن استعداد در سال ۱۷۷۶ او را روانه مصر کرد، سفری که تا سال ۱۷۸۱ به درازا کشید. در آن جا بود که، بنابر آنچه خود می‌گوید، به ترجمه قرآن زیر نظر مسلمانان پرداخت.^۴ ترجمه‌اش در سال ۱۷۸۳ منتشر شد و او خود پنج سال بعد، چهارم فوریه ۱۷۸۸، درگذشت.^۵

۱. در مورد ولتر و مونتسکیو، به ترتیب، نک: جواد حدیدی، اسلام از نظر ولتر، چاپ پنجم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴ و از سعدی تا آراگون، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، صفحات ۱۱۲-۱۴۳.
۲. پس از تعطیل کلیساها، انقلابیان فرانسه، به رهبری روبسپیر و تحت تأثیر افکار فلاسفه قرن هجدهم، به خصوص ژان-ژاک روسو و ولتر، آیینی وضع کردند که آن را «آیین وجود متعالی»، به عبارت دیگر «Le culte de l'Être Suprême» نامیدند. بدین منظور بنای یادبودی نیز، که تپه‌ای بیش نبود، در میدان مشق پاریس برپا داشتند. در تاریخ هشتم ژوئن ۱۷۹۴، روبسپیر، در حالی که مشعلی فروزان به دست گرفته بود، مجسمه نمادین «خدانشناسی» (Athéisme =) را آتش زد و همراه گروه بسیاری از مردم پاریس و نمایندگان مجلس گرد بنای یادبود به طواف پرداخت. هم‌نویان نیز سرود معروف «پروردگار جهانیان، خرد متعالی» را سر دادند. اما این آیین، که بیش از حد مطلق و تجریدی بود و با روحیه عامه سازگاری نداشت، دیری نپایید و ناپلئون ناگزیر در سال ۱۸۰۱ قرارداد «Concordat» را با پاپ امضا کرد و کلیساها از نو باز شد، ولی انتخاب و انتصاب اسقف‌ها، که پیش از آن از اختیارات پاپ بود، زیر نظر دولت قرار گرفت.

3. Claude Etienne Savary, *Le Koran, traduit de l'arabe, accompagné de notes, précédé d'un abrégé de la vie de Mahomet*, Paris, 1783.

۴. همان، ص ۶۱.

۵. برای اطلاع بیشتر نک:

چاپ دوم این ترجمه در سال ۱۷۸۷، همچنان در پاریس منتشر شد. ولی ساواری، به پیروی از دیگر نویسندگان نیمه دوم قرن هجدهم که برای احتراز از پیگردهای دستگاه سانسور فرانسه، اغلب کتاب‌های خود را با نام و نشانی مستعار چاپ می‌کردند (مانند ولتر که تقریباً همه آثار خود را در این دوره با نام مستعار به چاپ رسانید)، محل انتشار ترجمه را مکه و تاریخ آن را ۱۱۶۵ هجری ذکر کرده است. نحوه محاسبه او چنین بوده که عدد ۶۲۲ - یعنی تاریخ هجرت حضرت رسول اکرم (ص) از مکه به مدینه را بر حسب تقویم گرگوری - از ۱۷۸۷، یعنی تاریخ واقعی انتشار کتاب بر حسب همان تقویم، کسر کرده و حاصل آن - یعنی ۱۱۶۵ - را سال انتشار کتاب بر حسب تقویم هجری قمری دانسته و به این نکته توجه نکرده که تقویم هجری متغیر است و نمی‌توان با کسر ۶۲۲ از سال میلادی به تاریخ هجری قمری دست یافت. این نشانی مستعار موجب شده است که پیرسن (Pearson) در چاپ جدید دائرة المعارف اسلام، مقاله «al-Kur'ān»^۱ به پیروی از ویکتور شوون^۲ و با استناد به او، محل چاپ کتاب را واقعاً مکه و تاریخ انتشار آن را ۱۱۶۵ هجری قمری بداند و بر اساس ضوابط گاهشماری جدید آن را به ۱۷۵۱ میلادی برگرداند و این سال را تاریخ انتشار چاپ اول کتاب بیندارد، و حال آن که در این تاریخ مردم مکه هنوز با فن چاپ، به خصوص چاپ حروف لاتینی، آشنا نبوده‌اند؛^۳ ساواری نیز کودکی یکساله بوده و طبعاً نمی‌توانسته است قرآن را در چنین سنی به فرانسه درآورد.^۴

اما آثار دیگر ساواری، بغیر از ترجمه قرآن، بدین شرح است:

۱. نک: EI²، ج ۵، ص ۴۳۴.

2. Voir Victor Chauvin, *Bibliographie des ouvrages arabes ou relatifs aux Arabes*.

۳. نخستین چاپخانه مکه در سال ۱۳۰۳ق، برابر ۱۸۸۵ میلادی، به همت عثمان نوری پاشا، والی حکومت عثمانی، تأسیس شد. سپس سعودی‌ها آن را توسعه دادند و نام «مطبعة أم القرى» بر آن نهادند و «ام القرى» نام نشریه‌ای بود که در آن جا به چاپ می‌رسید. چاپخانه مذکور بعدها «مطبعة الحكومة» نامیده شد (نک: EI²، مقاله Makka، ج ۶، ص ۱۶۲، ستون اول).

بنابراین، فن چاپ تقریباً یکصد سال پس از تاریخ واقعی چاپ دوم ترجمه ساواری و یکصد و چهل سال پس از تاریخ مستعار آن بر اساس هجری قمری به مکه راه یافته است و پیرسن که سال ۱۱۶۵ق را تاریخ انتشار چاپ اول کتاب می‌داند، اشتباهات متعددی مرتکب شده است.

۴. هم اکنون نسخه‌هایی از چاپ‌های اول و دوم کتاب، با مشخصات کتاب‌شناختی زیر، در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود:

- *Le Koran*, précédé de ... , 2 volumes in 8°, Paris, 1783, cote: Res-J-2777 et 2778.

- *Le Coran ... 2 vol.*, Paris, 1165 (1787), cote: 8-Z-4733 (5 et 6).

۱. نامه‌هایی درباره مصر: *Lettres sur l'Égypte*, 1788

۲. نامه‌هایی درباره یونان: *Lettres sur la Grèce*, 1788

۳. داستان دلدادگی انیس الوجود و وردی:

Les amours d'Anas-Eloujoud et Ouardi, 1789

۴. دستور زبان عربی عامیانه و ادبی:

Grammaire de la langue arabe vulgaire et littéraire

کتاب اخیر در سال ۱۸۱۳، به کوشش لوئی لانگلس^۱، خاورشناس معروف، به چاپ رسید. ساواری در افکار و عقاید پیرو ولتر بود و به «دین فطری» اعتقاد داشت و جزو «خدانشناسان» (déistes) قرن هجدهم به شمار می‌رفت. از این رو در آغاز پیشگفتاری که بر ترجمه خود افزوده است، «اخلاقیات قرآن» را بر آیین فطری منطبق می‌داند و درباره پیامبر اسلام چنین می‌گوید:

«محمد(ص) [به یاری نبوغ بی‌همانند خود اعراب را از بت پرستی رهایی بخشید و برای آنان قوانین جدید و آیینی نوین آورد].»^۲

سپس ساواری از ترجمه‌های پیشین قرآن یاد می‌کند و ترجمه دوری^۳ را «خسته کننده» و «ملال آور» می‌یابد. علت آن را هم در شیوه کار او می‌جوید، زیرا دوری^۳ نتوانسته است از سبک قرآن، که همچون مزامیر داوود، پر احساس و هیجان انگیز است، پیروی کند. در نتیجه ترجمه‌ای فاقد فصاحت و شیوایی خاص متون برجسته عربی ارائه داده است. نقص دیگر آن در این نهفته است که دوری^۳ آیات مختلف را به هم پیوسته و از قرآن مجموعه‌ای داستان‌وار فراهم آورده است، شیوه‌ای که ساواری سخت از آن احتراز می‌جوید،^۳ زیرا وی معتقد است که وظیفه مترجم انتقال معنا و مراد کلام است نه صرفاً بازگرداندن الفاظ از زبانی به زبان دیگر. به همین دلیل او خود کوشیده است تنها تعالیم قرآن را، با رعایت ایجاز و فصاحت عبارات عربی، به زبان فرانسه بازگوید، چندان که هر جا متن اصلی مبهم و رمزآمیز بوده، او هم این

۱. لوئی لانگلس (Louis Langlès) بنیان‌گذار مدرسه زبان‌های شرقی در پاریس بود که خاورشناسان بسیاری از آن جا فارغ التحصیل شده‌اند و امروزه نیز همچنان دایر است.

۲. ساواری، همان، صص ۷ و VI (کلیه شواهد از چاپ ۱۸۸۳ اخذ شده است).

۳. همان، ص VII.

ابهام را در متن فرانسه رعایت کرده و در پی تفسیر و توجیه بر نیامده است. البته برای درک بهتر مطالب، هر جا لازم دانسته، در حاشیه توضیحی بر متن افزوده است. با این همه، اعتراف می‌کند که هرگاه بر اثر اقامتی طولانی در مصر این امکان را نیافته بود که به وسیله خود مسلمانان با مبانی اسلام و مفاهیم قرآن آشنا شود، هرگز یارای آن نداشت که به ترجمه متنی چنین دشوار و شیوا دست یازد، به خصوص که غریبان از اسلام «دینی نفرت انگیز» ساخته‌اند و بنیان‌گذار آن را، که «نابغه‌ای بزرگ» بود، همچون «دیوی وحشتناک» جلوه‌گر کرده‌اند. ساواری، برخلاف آنان، و نیز «به دور از تعصبات مسلمانان»، خواهد کوشید پیامبر اسلام را، چنان که در واقع بوده است، بنمایاند.^۱ بدین منظور، در مقدمه‌ای مفصل به شرح زندگی آن حضرت، بر اساس «منابع معتبر»، می‌پردازد.

این منابع چه بود؟ از آن جا که مترجم کتابنامه‌ای بر ترجمه خود نیفزوده است، تنها از راه تأمل در زیرنویس‌ها می‌توان به برخی از منابع او پی برد، مانند: ابن جوزی، ابوالفداء، ابن حمدون، احمد بن یوسف، ادریسی، ابن اسحاق، بخاری، ابن هشام، ابورافع و برخی دیگر که تحلیل نام فرانسوی آنان، با توجه به این نکته که در آن دوره هنوز نظام آوایی و آوانگاری زبان عربی مشخص نشده بود و فرانسویان اسامی عربی را به شکلی غریب تلفظ و بازنویسی می‌کردند، بسیار دشوار است. بر همه این منابع باید ترجمه لاتینی ماراچی و مقدمه مفصل آن را نیز افزود که در واقع مأخذ اصلی او به شمار می‌رود، هر چند ساواری بیشتر اوقات از او به تعریض یاد می‌کند، زیرا این «کشیش دانشمند چهل سال از عمر خود را صرف ترجمه و رد نوشتن بر قرآن کرد و عاقبت نتوانست ترجمه‌ای روان و شیوا ارائه دهد».^۲ در واقع ماراچی تعالیم قرآن را بازگو نکرده، بلکه لغات عربی را، یکی پس از دیگری، به لاتینی نامأنوس و کهنی درآورده است.

پس از این پیشگفتار ۹ صفحه‌ای و مقدمه ۱۲۰ صفحه‌ای، ساواری به ترجمه متن قرآن، به ترتیب سوره‌ها، می‌پردازد. در این جا نیز با تأمل در زیرنویس‌ها می‌توان به برخی از منابع او پی برد، که عبارتند از:

۱. «Zamchascar»، زمخشری، صاحب کشاف.

۱. همان، ص IX.

۲. همان، ص VIII.

۲. «Gelaldin»، جلال‌الدین عبدالرحمان سیوطی، صاحب الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور.
۳. «Beidawi»، عبدالله بن عمر بیضاوی، صاحب انوار التنزیل و اسرار التأویل.
۴. «Ebnabbas»، التویر المقبل من تفسیر ابن عباس، تدوین مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی.
۵. «Elgazel»، ابو حامد محمد غزالی، صاحب جواهر القرآن.
۶. «Cottada» (sic)، قتاده بن دعامة سدوسی، از مشاهیر تابعان و از نخستین مفسران قرآن که مفسران بعدی به اقوال او بسیار استناد جسته‌اند.
- علاوه بر منابع مذکور، ساواری از کسانی دیگر با نام‌هایی مانند «Jahia» و «Caleb»^۱ نیز یاد کرده است که تعیین هویت آنان مستلزم بررسی بیشتری است.
- با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان به کیفیت ترجمه ساواری بهتر پی برد: ترجمه‌ای است روان و شیوا که بیشتر باید آن را ترجمه معانی قرآن نامید تا ترجمه عبارات قرآن. جنبه ستایش‌آمیز آن نیز، نسبت به ترجمه‌های پیشین قوی است، هر چند از یک آزاد فکر قرن هجدهم که پیرو افکار ولتر و مکتب عقل‌گرایی دکارت است، نمی‌توان انتظار داشت که مانند یک مسلمان درباره اسلام و قرآن بیندیشد. در تبرئه او همین بس که خود را از قید اوهام قرون وسطایی رها کرده و به داوری آزادانه‌ای درباره اسلام، در حدّ معلومات و اطلاعات مردم آن روزگار، روی آورده است.
- اینک به بحث درباره نمونه‌هایی از ترجمه او می‌پردازیم.
- نخستین مشکل برای ساواری، همچنان که برای بسیاری دیگر از مترجمان فرانسوی قرآن، برگرداندن زمان افعال عربی به زبان فرانسه است. می‌دانیم که فعل در زبان فرانسه دارای شش وجه است و هر یک از این وجوه خود دارای چند زمان مختلف است، به گونه‌ای که مجموع آنها به بیست و دو «زمان - وجه» با شکل‌های صرفی مستقل بالغ می‌گردد.^۲ هر یک از این «زمان - وجه»ها نیز جزئیات خاصی از زمان وقوع فعل یا احتمال وقوع فعل را وصف می‌کند. مثلاً وجه التزامی در چهار زمان مستقل: مضارع، ماضی ساده، ماضی استمراری و

۱. حواشی صفحات ۱۲۳، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۱۶ و ۲۶۱ را ببینید.

۲. فرانسویان صفات فاعلی و مفعولی را برای بیان حالت به کار می‌برند و آنها را جزو زمان‌ها به شمار می‌آورند. این صفات نیز به صورت زمان حال و گذشته، هر دو، صرف می‌شوند.

ماضی مقدم، صرف می‌شود و وجوه تمایز آنها باید در متون ادبی رعایت گردد. همچنین است وجه شرطی که دارای مضارع، ماضی اول و ماضی دوم است. بنابراین، برگرداندن معدود زمان‌های افعال زبان عربی به زبان فرانسه کار دشواری است، و این دشواری وقتی محسوس‌تر می‌شود که مثلاً ماضی ساده در مقام دعا و نفرین و یا برای بیان فعلی که وقوع آن در آینده حتمی است، به کار رود. مانند آنچه در سوره المسد آمده است.

متن سوره مبارکه چنین است:

۱. تبت ید اابی لهب و تب
۲. ما اغنی عنه ماله و ما کسب
۳. سیصلی ناراً ذات لهب
۴. و امرأته حمالة الحطب
۵. فی جیدها حبل من مسد

ساواری آن را چنین ترجمه کرده است:

1. La Puissance d'Abu-lahab s'est évanouie. Il a péri lui-même.
2. A quoi lui ont servi ses immenses richesses?
3. Il descendra dans les brasiers de l'enfer.
4. Son épouse le suivra portant du bois.
5. A son cou sera attachée une corde d'écorce de palmier.^۱

ترجمه به فارسی:

۱. قدرت ابولهب به سستی گراید و او نابود شد.
۲. ثروت بی‌پایانش او را به چه کار آمد؟
۳. به لهیب دوزخ گرفتار خواهد شد.
۴. همسرش به او خواهد پیوست، در حالی که هیزم بر دوش می‌کشد.
۵. و طنابی از لیف خرما برگردن دارد.

چنان که ملاحظه می‌شود، در ترجمه فرانسه، زمان افعال متن عربی به کلی در هم ریخته و فعل ماضی «تبت» که در مقام نفرین به کار رفته، ماضی ساده اخباری فرض و به همان صورت ترجمه شده است. علاوه بر این، ساواری «ما»ی نافییه را در آیه دوم «ما»ی استفهامیه تصور

کرده و عبارت «ما اغنی عنه ماله وما کسب» را به صورت استفهام انکاری درآورده و این همه خود نارسایی های دیگری را در درک کلی مطلب موجب شده است. سوره مبارکه را می توان چنین ترجمه کرد:

1. Que les deux mains d'Abū-Lahab soient coupées et qu'il périsse!
2. Sa fortune et ce qu'il a acquis ne lui serviront à rien.
3. Il rejoindra bientôt un feu plein de flammes.
4. De même que sa femme, porteuse de bois.
5. Alors qu'à son cou elle aura une corde de fibres.

۱. بریده باد دست های ابو لهب! و مرگ بر او باد!
۲. هرگز دارایی اش و آنچه کسب کرده او را سودمند نخواهد بود.
۳. زود باشد که به آتشی پر لهیب گرفتار آید.
۴. و نیز همسرش، در حالی که هیزم کیش [دوزخ] است.
۵. و طنابی از لیف خرما برگردن دارد.

آشفستگی در ترجمه و اشتباه در درک زمان افعال متن عربی در ترجمه بسیاری از آیات دیگر نیز به چشم می خورد. مانند آیه چهارم از سوره منافقون:

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مِّنْ سُنْدَةٍ يَّحْسَبُونَ كُلَّ صِدْقٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعُدُوَّ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ أَيُّ يَوْمِكُونَ.

که چنین ترجمه شده است:

Ils ont la beauté en partage. Ils parlent avec grâce. Leur taille est droite et majestueuse, mais ils frissonnent au moindre bruit. Le Tout-Puissant combattra contre eux, parce qu'ils ont abandonné la foi.^۱

آنان [مردانی] از بیبا هستند، با ظرافت سخن می گویند و اندامی استوار و ورعنا دارند. اما به شنیدن کوچک ترین صدابرخود می لرزند. قادر متعال آنان را نابود خواهد کرد، زیرا که بترک ایمان گفتند.

در واقع **ساواری** مطلقاً مقید به پیروی از متن قرآن نبوده و تنها برداشت خود را از محتوا باز می گفته است. مفاد آیه مبارکه چنین است:

هرگاه آنان را ببینی از پیکر [آراسته] آنان به شگفت می آیی. اگر سخن گویند [یا میل] به سخنانشان گوش می سپاری، [و حال آن که] چوب هایی واداشته بر دیوار هستند. هر بانگی را علیه خود می پندارند. هم اینان دشمنان [تو] اند. از آنان دوری گزین. خدا ایشان بکشد که چه بیراهه می روند!

ساواری در ترجمه خود، عبارت «كَأَنَّهُمْ خُشِبٌ مُسَنَّدَةٌ» را - شاید از آن رو که پیوند میان آن و عبارات پیشین را درک نمی کرده - نادیده گرفته و جمله دعائیه آخر آیه را جمله خبریه پنداشته است.

ایراد دیگری که بر او وارد است عدم رعایت یکسانی در ترجمه کلمات و عبارات مشابه با معانی مشابه، حتی در مورد پر بسامدترین آنهاست. مثلاً به جای کلمه جلیله «الله» گاه «Dieu» آورده و گاه «Le Seigneur» و «Le Tout-Puissant» و «Le Très-Haut». این مسئله در مورد عباراتی مانند افلا تعقلون، والله سمیع علیم، والله لایحب الظالمین، والله غفور رحیم و نظایر آنها که جزو پایانی بسیاری از آیات را تشکیل می دهند نیز صادق است.

گاه نیز ساواری، به خصوص هنگامی که در یافتن معادل برای برخی از کلمات عربی دچار مشکل می شده به لفاظی پرداخته است، چنان که کلمه «انفاق» را به «Verser dans le sein des pauvres» (در آغوش ناداران سرازیر کردن)، «غیب» را به «Vérités sublimes» (حقایق متعالی) ترجمه کرده و یا چون برای «مصلحون» در «إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (۱۱/۲) معادلی نیافته، عبارت را نقل به معنی کرده و در ترجمه آن آورده است: «Notre vie est exemplaire» (= زندگی ما نمونه است).^۱ البته باید توجه داشت که این نخستین گام‌ها بود که برای درک قرآن برداشته می شد و هنوز مترجمان متعدد راه را برای مترجمان بعد از خود هموار نکرده بودند. نخستین کارها نیز همواره با دشواری‌ها و نارسایی‌هایی همراه است.

اما امتیاز ترجمه ساواری در موضع‌گیری‌های او در برابر ترجمه‌های پیشین و ردیه‌هایی است که بر قرآن نوشته بوده‌اند؛ چنان که در موارد متعددی به نقد ترجمه ماراچی پرداخته و ردّ بر ردّ او نوشته است. شیوه ماراچی بر این بود که پس از ترجمه هر سوره، با استناد به برخی از آیات همان سوره در تکذیب قرآن و پیامبر اسلام می‌کوشید. در چنین مواردی است که ساواری ضعف استدلال‌های او را آشکار می‌دارد. مثلاً ماراچی در ردّ بر آیه ۴۴ از سوره هود (= ۴۲ در ترتیب مصحف) از قول مسلمانان نقل می‌کند که کشتی نوح ۱۲۰۰ ذراع ارتفاع و

۱. همان، ۱۱۴.

۶۰۰ ذراع عرض داشته است. سپس فریاد بر می آورد که ببینید مسلمانان چه اندازه «بی خردند». چگونه یک کشتی می تواند ۱۲۰۰ ذراع ارتفاع و ۶۰۰ ذراع عرض داشته باشد؟ **ساواری** نخست عین عبارات مورد استناد او را از قول «حسن بصری» نقل می کند، بدین قرار:

«Cal Elhacen ou can toul elsafinat elf draa ou maëtan draa ou ardeha set maïat draa».

«قال الحسن: وكان طول السفينة الف ذراعاً وعرضها ست مئآت ذراعاً»

آن گاه **ساواری** به **ماراچی** حمله می برد که طول را با ارتفاع اشتباه کرده و بر اساس اشتباه خود به تکذیب و تمسخر مسلمانان پرداخته و حال آن که این خود اوست که «باید مورد تکذیب و تمسخر قرار گیرد».^۱

همین گونه است استدلال او در مورد آیه ۸۳ (= ۸۱ در ترتیب مصحف) از سوره نحل، آن جا که عبارت «وجعل لكم سراويل تقيكم الحر» (= و برای شما جامه ها قرارداد که شما را از گرما نگاه می دارد) دستاویز **ماراچی** واقع شده و او را بر آن داشته است که در تکذیب پیامبر بگوید لباس را برای محافظت تن در برابر سرما می پوشند نه در برابر گرما. **ساواری** در ردّ نظر او می گوید: «لباس به همان اندازه برای محافظت تن در برابر گرمای سوزان مناطق گرمسیر لازم است که در مناطق سردسیر برای محافظت آن در برابر سرما»، و اگر **ماراچی** لباس را تنها در برابر سرما مفید می داند از آن روست که در میان مردم مناطق گرمسیر زندگی نکرده است و نمی داند که اعراب هنگام روز قبایی بلند بر تن می کنند تا آنان را در برابر گرمای سوزان صحرا محفوظ دارد. بنابراین انتقاد او زائیده جهل اوست.^۲

در ترجمه آیه ۶ از سوره مزمل نیز **ساواری** در تکذیب **ماراچی** می کوشد. متن آیه مبارکه چنین است:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً

(بی گمان عبادت در شب به دل بیشتر می نشیند و در گفتار استوارتر [از روز] است.)

اما **ساواری**، با استناد به سیوطی، آن را چنین ترجمه کرده است:

۱. همان، ۲۴۶، زیر نویس شماره ۱.

۲. همان، ۲۷۹، زیر نویس شماره ۱.

A l'entrée de la nuit on a plus de force pour concevoir et plus de facilité pour s'exprimer.

(در آغاز شب، انسان نیروی بیشتری در فهم و سهولت بیشتری در گفتار دارد.)

ترجمه ماراچی نیز همین گونه است. با این تفاوت که وی مفاد آیه را دستاویز قرار داده می‌گوید: کدام انسان خردمندی است که سر آغاز شب را برای فهمیدن مطلب و بیان آن مناسب‌تر از روز بداند؟ **ساواری** در این جا هم او را به جهل متهم می‌کند، زیرا نمی‌داند که در آغاز شب، آن‌گاه که نسیم خنک صحرایی وزیدن می‌گیرد و سوز گرما را، در سرزمین‌های گرمسیر، با خود می‌برد، مغز انسان طبعاً برای درک مطلب و بیان آن آماده‌تر از روز است که همه چیز تفیده و سوزان است. سپس **ساواری** از روی تمسخر می‌گوید: «با این گونه استدلال‌هاست که **ماراچی** می‌خواهد قرآن را رد کند!»^۱

چنین بود دومین ترجمه قرآن به زبان فرانسه. موفقیت آن در آن روزگار به حدی بود که ترجمه دوری‌یه را یکسره به فراموشی سپرد و نقدهایی را بر ترجمه ماراچی موجب شد و تا سال ۱۸۴۰، تاریخ انتشار ترجمه کازیمیرسکی، در مدت ۵۷ سال، هشت مرتبه به چاپ رسید. پس از آن نیز در سال‌های ۱۸۹۱، ۱۹۲۶، ۱۹۵۱، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تجدید چاپ شد و در سال ۱۹۱۳ به زبان اسپانیایی (کاستیان) درآمد.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. همان، ۴۹۰، زیرنویس شماره ۲.

2. *El Koran ... Precedido de un estudio de la vida de Mahoma, extractado de las libros de los escritores orientales ... Versión castellana de A. Hernández Catá, Paris, 1913 (cote de la Bibliothèque Nationale de France: 8-O2G-782).*